

نقدی بر کتاب:

امیرعلی شیرنوازی و روزگار او

ابوالحسن فیاض‌انوش^۱

مقدمه

پس از واسیلی بارتولد روسی (۱۸۶۹-۱۹۳۰) و ژابن اوبن فرانسوی (۱۹۲۷-۱۹۹۸) که از جمله پیشگامان مطالعات تیموریان بوده‌اند پژوهشگران جدیدی در این عرصه ظهور کرده‌اند و برخی از آثار آنان به فارسی نیز ترجمه شده است. ترجمه آثاری از خانم بئاتریس فوربس منز (امریکایی) و اسماعیل آکا (ترکیه‌ای) از جمله مواردی است که در سالیان اخیر انجام پذیرفته است. خانم سابتلنی نیز از جمله تاریخ‌پژوهان دوره تیموریان است که در گروه تمدن‌های خاور نزدیک و میانه در دانشگاه تورنتو کانادا عضویت دارد و در حوزه‌های مطالعاتی زیر به پژوهش و تدریس مشغول است:

- تاریخ و فرهنگ اسلامی ایران و آسیای مرکزی در قرون میانه

- ادبیات کلاسیک فارسی به ویژه شعر عرفانی

- تصوف و عرفان تطبیقی

- فلسفه سیاسی اسلامی-ایرانی

سابتلنی در سال ۱۹۷۲ از دانشگاه تورنتو موفق به اخذ مدرک کارشناسی شد و در سال ۱۹۷۹ مدرک دکترای خود را از دانشگاه هاروارد اخذ کرد و در سال ۲۰۰۴ به مقام استادی رسید. از وی کتابها و مقالات

^۱ - دانشیار گروه تاریخ و ایرانشناسی دانشگاه اصفهان.

amir.anush2016@gmail.com

متعددی به دو زبان انگلیسی و فرانسوی به چاپ رسیده است. از جمله مقالات او که قبل از این به فارسی برگردانده شده بود موارد زیر را می‌توان نام برد:

- گلشن راز: باغ ایرانی و بیان
شاعرانه عرفان. مترجم: داود طبایی؛ مجله: «
گلستان هنر» تابستان ۱۳۸۷؛ شماره ۱۲.

- باغ ایرانی: واقعیت و خیال. مترجم:
داود طبایی؛ مجله: «گلستان هنر» تابستان
۱۳۸۷؛ شماره ۱۲.

این یادداشت به مناسبت ترجمه برخی از مقالات
سابتلنی که اخیراً در یک کتاب عرضه شده است فراهم
آمده و در پی آن است تا یک ارزیابی انتقادی از
این مقالات و ترجمه آن‌ها ارائه شود.

۱- معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی

آن:

کتاب امیرعلی شیرنوایی و روزگار او (مجموعه
مقالات) در ۱۴۶ صفحه شامل ۵ مقاله از مقالات خانم
ماریا اوا سابتلنی (Maria Eva Sabtelni) استاد گروه
تمدن‌های خاور نزدیک و میانه دانشگاه تورنتو
کانادا است که مترجم محترم (آقای جواد عباسی
دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد) با
انتخاب و ترجمه آنها کوشیده است آنها را به ترتیب
سال انتشارشان در کنار هم قرار دهد. این ترجمه
جهت ارائه به "همایش بین‌المللی اندیشه‌ها، آثار
و خدمات امیرعلی شیرنوایی" که از سوی مرکز مطالعات
اجتماعی-فرهنگی آسیای مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد
در بهمن ماه ۱۳۹۳ برگزار شد فراهم آمده است. بنا
به اظهار مترجم، اصل این مقالات «در فاصله سال‌های

۱۹۷۹م / ۱۳۵۸خ تا ۱۹۹۳م / ۱۳۷۲خ به چاپ رسیده اند» (سابتلنی، ۱۳۹۵: ۸). عنوان اصلی و محل و زمان نشر هر کدام از مقالات در اولین پاورقی صفحه اول هر مقاله توسط مترجم ارائه شده است. این کتاب ضمناً حاوی پیشگفتار، سرسخن و سخن مترجم (جمعاً ۸ صفحه) در ابتدای کتاب و فهرست اعلام (۱۱ صفحه) به همراه ۵ تصویر در پایان کتاب می باشد. عناوین مقالات مندرج در این کتاب به شرح زیر می باشد:

- ۱- علی شیرنوایی: بخشی و بیگ (۱۳ صفحه)
- ۲- بنیان های اجتماعی-اقتصادی پشتیبانی فرهنگی در اواخر دوره تیموری (۳۴ صفحه)
- ۳- اصلاحات تمرکزگرایانه و مخالفان آن در اواخر عهد تیموری (۲۷ صفحه)
- ۴- یک بنیاد آموزشی و خیریه از دوره تیموری: مجموعه اخلاصیه علی شیرنوایی در هرات در سده نهم/پانزدهم و وقفنامه آن (۳۴ صفحه)
- ۵- میرعلی شیرنوایی (۱۰ صفحه)

ویژگیهای فنی اثر

طرح روی جلد کتاب با الهام از سبک تزئینات معماری عصر تیموریان فراهم آمده است. صحافی، قطع، نوع و اندازه قلم و صفحه آرایایی این اثر مناسب ارزیابی می شود. ترجمه فارسی روی هم رفته روان و گویاست ولی برخی اغلاط تایپی و املائی و نیز برخی جمله بندی های نا استوار نیز در متن مشاهده می شود. مواردی که در مطالعه این جانب مشاهده شد به عنوان نمونه در ادامه ارائه می شود. (توضیح: ص= صفحه / س= سطر / غ = غلط / صح = صحیح / پا = پاورقی):

اغلاط تایپی:

ص شناسنامه کتاب) غ: Marya. صح: Maria^۲ / ص ۲۶، س ۶ /
غ: تهم. صح: نهم / ص ۴۰، پا ۲ / غ: ۳۲۹. ص: ۳۹۲ /
ص ۷۳، س ۱۶ / غ: بعلاوه. صح: علاوه / ص ۷۴، پا ۶ / غ:
۴۰۵. صح: ۴۰۶ / ص ۱۱۳، س ۱۳ / غ: و جریب. ص: جریب
/ ص ۱۱۵، س ۱۳ / غ: نبود موقوفه. صح: موقوفه / ص ۱۱۶،
س ۵ / غ: ۴۴ نفر. صح: ۲۲ نفر^۳.

اغلاط املائی:

ص ۱۳، س ۱۲ / غ: با این وجود. صح: با وجود این؟ /
ص ۴۹، س ۱۹ و بسیاری از مواضع دیگر / غ: اینجیل.
صح: انجیل / ص ۵۴، س ۵ / غ: الهرات. صح: هرات^۵ /
ص ۱۲۵، س ۳ / غ: خزائن. صح: مخزن.

جمله بندی ناستوار:

ص ۳۲، س ۵ در پا ۱ / ص ۸۲، س ۱۴.

^۲- این مورد بر اساس صفحه شخصی خانم سابتلنی در وب سایت دانشگاه تورنتو تصحیح شد. لازم به ذکر است که مترجم نیز در ارائه اطلاعات کتابشناختی مقالات خانم سابتلنی که در پاورقی صفحه اول هر مقاله آورده است شکل صحیح (Maria) را رعایت کرده است ولی در صفحه شناسنامه کتاب این امر رعایت نشده است.

^۳- این مورد بر اساس مندرجات ستون ۲ از جدول مندرج در ص ۱۱۰ کتاب تصحیح شد. چنانچه ارقام آن جدول صحیح درج شده باشد، جمع تعداد افراد شاغل در مجموعه اخلاصیه ۲۲ نفر بوده است نه ۴۴ نفر. برای من مشخص نشد که این اشتباه توسط نویسنده روی داده و یا توسط مترجم.

^۴- "با این وجود" غلط است زیرا مخاطب می تواند بپرسد **با کدام وجود؟** و واضح است که این، پرسش غلطی است. اما اگر بگوئیم با وجود این، مخاطب می تواند بپرسد **که با وجود چه؟** که پرسشی صحیح است (ر.ک: نجفی، ۱۳۷۰؛ ذیل: با وجود این)

^۵- عنوان صحیح کتاب زمجی اسفزاری این است: *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*. برخی نویسندگان به غلط *مدینه الهرات* تلفظ و نگارش می کنند!

رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن و کتابنامه

تنها نقد در مورد ارجاعات نویسنده که می‌توان بدان اشاره کرد بسنده کردن او به ارجاع دادن به "مطالعات" در مواردی است که باید در درجه اول به "منابع اصلی" ارجاع داده می‌شد. برای نمونه در پاورقی ۲ در صفحه ۳۳ بدون هیچ ارجاعی به منابع اصلی، صرفاً به ویاتکین (Viatkin) ارجاع داده است. اما در مورد مترجم، گذشته از اشتباهات تایپی که در پاورقی‌های صفحات ۴۰ و ۷۴ در خصوص ارجاع به صفحه صحیح منابع (احتمالاً در ترجمه) رخ داده بود، ارجاعات کتاب مورد خاصی از اشتباه را نشان نمی‌دهد. البته یک نکته مهم را باید خاطر نشان ساخت و آن این که هر چند مترجم محترم تصریح دارد که «در ترجمه منابع و مآخذ و پاورقی‌ها به اصل متن وفادار مانده است» (سابتلنی، ۱۳۹۵: ۸)، اما به نظر می‌رسد این وفاداری نه تنها نکته مثبتی را برای ترجمه به همراه نداشته است بلکه خط‌آفرین نیز شده است! توضیح این که: قاعدتاً در کتابها و مقالات خارجی، چنانچه نویسنده از منابع فارسی نقل قول مستقیم آورده باشد، مترجم باید زحمت مراجعه به آن منابع و ارائه عین عبارات نقل قول شده منابع را بر خود هموار سازد تا خواننده را با اصل منابع مرتبط کند. پرهیز از چنین امری بعضاً می‌تواند به اشتباهات ناگزیری منجر شود که به معنای واقعی، به عدم وفاداری به منابع تفسیر خواهد شد. برخی نمونه‌ها در ادامه آورده می‌شود:

- ص ۴۰ ، س ۲) در منبع، عبدالله **اخطب** آمده (ر.ک: خواندمیر، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵ش]: ۳۹۰) ولی در ترجمه به صورت عبدالله **اخطاب** درج شده است!

- ص ۵۵ ، س ۶) در منبع، **پازهرهای حیوانی** آمده (ر.ک: خواندمیر، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵ش]: ۴۱۵) ولی در ترجمه به صورت **سنگ‌های پازهر** درج شده است!

- ص ۷۰ ، پاراگراف دوم) در منبع، اعتراض امیرحسن‌شیخ‌تیمور به آن است که چرا وقتی همه امرا پیش پادشاه ایستاده‌اند، **مجدالدین محمد وزیر باید نشسته باشد** (ر.ک: خواندمیر، ۲۵۳۵ [۱۳۵۵]: ۴۰۱) ولی در ترجمه، اعتراض به این صورت آمده است که **چرا باید «یک تاجیک را به اداره امور حکومتی و مسائل مالی هر دو بگمارند».**

- ص ۸۲ ، س ۸ و ۱۰) در منبع، محمد **عمر و آبادی** آمده است (ر.ک: خواندمیر، ج ۴، ۱۳۸۰: ۱۹۷) ولی در ترجمه به صورت محمد **امرآبادی** درج شده است!

در ادامه همین نکته می‌توان به نکته دیگری هم اشاره کرد و آن این که از برخی منابع فارسی که نویسندگان به آنها ارجاع داده است در هنگام انتشار متن اصلی مقاله به زبان انگلیسی، تصحیح معتبری وجود نداشته و نویسندگان به ناگزیر به نسخه‌های خطی آن منابع ارجاع داده است. اما با توجه به این که هنگام ترجمه، تصحیح انتقادی برخی از این منابع منتشر شده بود، پسندیده‌تر آن بود که مترجم محترم نقل قول‌های نویسندگان را از منابع تصحیح شده

برمی‌گرفت تا برای خواننده ردیابی ارجاعات نویسنده سهل‌تر گردد. برای نمونه کتاب مکارم الاخلاق خواندمیر را می‌توان ذکر کرد که نویسنده به نسخه خطی آن ارجاع داده ولی در سال ۱۳۷۸ توسط نشر میراث مکتوب و با تصحیح محمداکبر عشیق منتشر شده است. البته شاید بتوان دو عذر را برای پرهیز مترجم از مراجعه به منابع در نظر گرفت: یکی این که مترجم محترم هنگام ترجمه در خارج از ایران بوده است (ر.ک: سابتلنی، ۱۳۹۵: ۸) و شاید دسترسی به برخی منابع جهت تطبیق برای وی مشکل بوده است و دوم این که احتمالاً تسریع برای رساندن ترجمه به "همایش بین‌المللی اندیشه‌ها، آثار و خدمات امیرعلی‌شیرنوايي"، مترجم را از مراجعه به منابع اصلی و تطبیق ترجمه با اصل منابع بازداشته باشد. به هر حال چنانچه قرار باشد این کتاب در آینده تجدید چاپ شود این کاستی‌ها باید مرتفع شود.

۲- تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

بررسی ابعاد آموزشی اثر

هر چند مجموعه مقالات این کتاب با هدف‌گذاری آموزشی ترجمه نشده‌اند - و از اینرو نبایست آنها را بر اساس معیارهای کتاب‌های آموزشی تاریخ مورد نقد قرار داد- اما می‌تواند برای دانشجویان تاریخ به ویژه مقاطع تحصیلات تکمیلی مفید واقع شود. با توجه به کمیّت نسبتاً نازلِ مطالعات تیموری در مقایسه با دیگر ادوار تاریخ ایران اسلامی، از هرگونه اثر پژوهشی (تألیف و ترجمه) باید استقبال کرد. البته بدیهی است که این استقبال نافی اهتمام به نقد و ارزیابی علمی این گونه آثار نیست. در

مورد اثر حاضر چند نکته در نقد محتوایی قابل ذکر است:

- برخی همپوشانی‌ها و تکرار مطالب در این کتاب دیده می‌شود که البته ناشی از کنار هم قرار گرفتن چند مقاله با موضوعات مشابه است. برای مثال بسیاری از مطالب مندرج در مقاله ۱ در مقاله ۵ تکرار شده است.

- حداقل یکی از مقالات این کتاب (مقاله ۲) ربط وثیقی با احوال میرعلی‌شیر که موضوع اصلی کتاب است ندارد و با توجه به حجم نسبتاً زیاد این مقاله (۳۴ صفحه) گویا برای تناسب دادن به حجم کتاب به کتاب افزوده شده است.

- با توجه به این که ۵ تصویر پایانی کتاب از سوی مترجم به کتاب افزوده شده است، شایسته بود دو نکته در مورد این تصاویر رعایت شود: یکی این که برای هر تصویر توضیحی ارائه شود و دیگر این که مآخذ تصاویر در ذیل هر کدام درج شود. نکته دیگر در مورد تصاویر پایان کتاب این است که: (بر اساس نسخه‌ای که من مطالعه کردم) صفحاتی که تصاویر در آنها درج شده است دوبار صفحه‌بندی شده‌اند. یعنی هر تصویر دوبار درج شده است!

از آنجایی که کتاب *میرعلی‌شیرنوایی و روزگار او* حاوی ۵ مقاله است نمی‌توان مسأله واحدی را برای کل محتویات این کتاب در نظر گرفت. آنچه به محتویات این کتاب انسجام می‌بخشد وحدت موضوع (شخصیت

امیر علیشیر نوایی) است و نه وحدت مسأله پژوهشی. ضمن این که در هر کدام از مقالات نیز ضرورتاً با مسأله پژوهشی مواجه نیستیم. مقالات عمدتاً توصیف محورند و نه مسأله محور. تنها استثناء در این مورد مقاله دوم است که با قصد بررسی و تبیین «پیوندهای آشکار میان زوال سیاسی و خیزش فرهنگی» (سابتلنی، ۱۳۹۵: ۲۵) نگارش شده است و از این رو می‌تواند مسأله محور تلقی شود.

نکته دیگر در مورد مسأله‌مندی این کتاب، نسبت آن با رفع نیازهای علمی و کاربردی کشورمان است. به جرأت می‌توان مدعی شد به واسطه فقدان سیاست راهبردی در زمینه مطالعات تاریخی هنوز بسیاری از پژوهش‌ها و ترجمه‌هایی که توسط محققان داخلی در زمینه موضوعات تاریخی انجام می‌گیرد کمتر نسبت کارگشایی با نیازهای ملی ما دارد. به عنوان نمونه همین کتاب را می‌توان مثال زد. می‌دانیم که امیرعلیشیرنوایی به دلیل نگارش رسائل و دیوان‌های مختلف به زبان ترکی شرقی (که اصطلاحاً به آن ترکی جغتایی گفته می‌شود) شأن برجسته‌ای برای هویت ملی ازبک‌ها و کشور ازبکستان دارد به نحوی که بسیاری از تحقیقاتی که در مورد وی انجام می‌شود بر استفاده تاریخی از وی در همین راستا تمرکز کرده‌اند. حال پرسش این است که هنگامی که شخصیت او به عنوان موضوعی برای یک همایش بین‌المللی انتخاب می‌شود که یک نهاد ایرانی آن را برگزار می‌کند، آیا نباید ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های ملی در این همایش و منشورات آن بهتر دیده شود؟ شاید اگر همزمان با بذل توجه به "امیرعلیشیر و روزگار او" از زاویه "امیرعلیشیر و روزگار ما" هم به موضوع

بپردازیم نسبت دقیقتری میان نیازهای امروزین ما و مطالعات تیموریان بتوان برقرار کرد.

ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخشهای مختلف کتاب

نویسنده حداقل در یک موضع، نظری را اظهار کرده است که شواهد نقض کننده‌ای را از خلال منابع اصلی می‌توان در مقابل آن ارائه داد. در مقاله دوم در ارزیابی اقدامات تمرکزگرایانه خواجه مجدالدین محمدخوافی، "نخبگان مذهبی" قرن نهم را در زمره کسانی قرار می‌دهد که با این گونه اقدامات موافق بوده‌اند (ر.ک: سابتلنی، ۱۳۹۵: ۶۳)، در حالی که می‌دانیم برخی از مخالفان با این گونه اقدامات عمدتاً از سوی همین نخبگان مذهبی راهبری می‌شد. به عنوان نمونه، فضل‌الله بن روزبهان خنجی در کتاب *عالم‌آرای امینی* شدیدترین انتقادات را متوجه اقدامات تمرکزگرایانه‌ای می‌کند که قاضی عیسی ساوجی در زمان سلطان یعقوب آق‌قویونلو (۸۸۳-۸۹۵ق) دنبال می‌کرد.

در مواردی هم نویسنده نظری را خلاف مصرّحات منابع ارائه می‌کند بدون این که خواننده را برای پذیرش نظر خود متقاعد کند. برای مثال در مقاله ۳ با این جمله مواجه می‌شویم: «گرچه بابر از مجدالدین در فهرست وزیران حسین‌بایقرا یاد می‌کند و خواندمیر او را در دستورالوزراء قرار داده، نمی‌توان با تأکید از وزارت او سخن گفت» (سابتلنی، ۱۳۹۵: ۶۹) و خواننده در نمی‌یابد که این مخالفت با مصرّحات منابع از چه روست.

در یک مورد نیز در زمینه درج سالشمار، اشتباهی رخ داده است که مشخص نشد اشتباه در متن اصلی بوده

است و یا در ترجمه: در صفحه ۱۲۲ سال «برقراری دوباره نظم» در خراسان را «سال ۸۵۰ ق» ذکر می‌کند که البته سال صحیح آن ۸۵۳ ق؛ سال به سلطنت رسیدن ابوالقاسم بابر (۸۵۳-۸۶۱ ق) می‌باشد. نویسنده در مقالات خود از منابع معتبر و آخرین مطالعات و تحقیقات در زمینه تاریخ تیموریان بهره برده است و از آنجایی که مترجم خود از محققان تاریخ دوران مغول و تیموریان محسوب می‌شود به نظر می‌رسد در معادل‌گزینی برای اصطلاحات متن اصلی به خوبی عمل کرده است.

۳- نتیجه‌گیری

با وجود برخی کاستی‌های شکلی و محتوایی که در متن و ترجمه کتاب *امیر علی‌شیرنویسی و روزگار او* وجود دارد و در این یادداشت بدانها پرداخته شد، در مجموع می‌توان این اثر و ترجمه آن را اقدامی مفید در جهت رونق مطالعات تاریخ تیموریان دانست. این کتاب به لحاظ روش تحقیق در زمره تحقیقات آکادمیک، به لحاظ نتیجه‌گیری‌ها منصفانه و به لحاظ استفاده آموزشی، به عنوان یک اثر کمک آموزشی ارزیابی می‌شود. چنانچه مترجم و یا ناشر محترم قصد چاپ مجدد این کتاب را داشته باشند توصیه می‌شود گذشته از اصلاح اغلاط تایپی و ویرایشی، مخصوصاً به این نکته توجه داشته باشند که نقل قول‌های نویسنده به منابع را حتماً از منابع اصلی اخذ کنند و به صرف ترجمه از زبان انگلیسی بسنده نکنند.

منابع

- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۲۵۳۵[ش۱۳۵۵]): *دستورالوزراء*، با

تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران. انتشارات اقبال.

(۱۳۸۰ش): **تاریخ حبیب السیر**. ج ۴، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران. انتشارات خیام.

- سابتلنی، ماریا اوا (۱۳۹۵ش):
امیرعلی شیرنوایی و روزگار او، مترجم: جواد عباسی، مشهد، طنین قلم.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۰ش): **غلط ننویسیم؛ فرهنگ دشواریهای زبان فارسی**، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

امیرعلی شیرنوایی و روزگار او
نویسنده: ماریا اوا سابتلنی / مترجم: جواد عباسی /
ناشر: انتشارات طنین قلم / تعداد صفحات: ۱۴۶ صفحه /
سال نشر: ۱۳۹۵.

-
-